

اضطراب معرفتی به مثابه اصل بنیادین زندگی اجتماعی

(نوع مقاله، علمی - پژوهشی)

محمدرضا دانش شهری^۱

چکیده

زندگی اجتماعی در جهان مدرن، مستلزم گونه‌ای گرایش به تفاهم و گفت‌وگوی مداوم و بنیادین است؛ تفاهم و گفت‌وگویی که بیش از یک رویکرد عملی مبنی بر تحمل یکدیگر بلکه بر مبنای صورت‌بندی خاصی از همگرایی معرفتی باشد. به عبارت دیگر، در پس هر قسم تساهل و تسامح در عرصه عمومی، نیاز است مبانی معرفت‌شناختی استواری قرار داشته‌باشد؛ این مبانی معرفت‌شناختی نه تنها در کارآمدی و تعمیق زندگی اجتماعی صلح‌آمیز مؤثر است، بلکه در مبانی کلامی معرفت دینی نیز تأثیر بسزایی دارد. در واقع نخستین گام در مدارای مدنی و ایمان واقعی، پذیرش ممکن‌الخطا بودن انسان به مثابه رکنی اساسی در ذات وی است. پذیرش این رکن سبب می‌شود انسان همواره در اعتبار ادراکات خود مضطرب باشد. پیامد ناگزیر این اضطراب معرفتی آن است که شخص همواره نسبت به بازمینی و بازسازی معتقدات خود گشوده بوده و هیچ‌گاه خود را معیار داور ندانسته و به تبع آن دیگران را ملزم به تبعیت از باورهای خود نداند.

کلیدواژه‌ها: اضطراب معرفتی، زندگی اجتماعی، حجیت قطع، مدارا، ممکن‌الخطا بودن.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز